

پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تخلفات قضایی در بستر سیاست کیفری ایران و آمریکا

۱. فاطمه رضی خادمی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۲. امیر ایروانیان*: استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. پست الکترونیک: iravanian@iaushiraz.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۳. امیر پاک نهاد: استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

قدرت خارق‌العاده‌ای که در دادگستری سرمایه‌گذاری می‌شود، نیاز به یک رفتار والا دارد و تعهد به حفظ قانون و انجام کار به شیوه‌ای بی‌طرفانه، رفتار مناسب در دادگاه و خارج دادگاه از الزامات این وظیفه قضایی به شمار می‌رود با افزایش قدرت قضایی، نیاز به پیروی از معیارهای اخلاقی روشن نیز وجود دارد و در صورت تخلف از قوانین و معیارهای رفتاری، مواخذه و مورد رسیدگی انتظامی قرار می‌گیرند، قانون‌گذار ایران در قانون نظارت بر رفتار قضات از طریق کنترل رفتار حرفه‌ای قضات و با در نظر گرفتن مجازات‌های انتظامی پیشگیرانه و سخت‌گیرانه به دنبال انتظام بخشیدن به رفتار قضات بوده، هر چند در موارد بسیاری هنوز با ابهامات قانونی روبرو هستیم که به شدت استقلال قضات را زیر سؤال برده، سیاست کیفری آمریکا چه در سطح فدرال و ایالتی، باتوجه به چارچوب اسناد بالادستی و رعایت اصول استاندارد بین‌المللی به تخلف انگاری و اعمال واکنش انتظامی علیه سوءرفتار قضات پرداخته است و در حین رسیدگی به سوءرفتار قضات به اصل استقلال قضات احترام گذاشته و با رعایت اصل شفافیت در رسیدگی‌ها و عدم محرمانگی در مرحله دادرسی، سعی در جلب اعتماد عمومی به قوه قضاییه داشته، به لحاظ آنچه گذشت ملاحظه می‌گردد که سیاست کیفری آمریکا در رسیدگی به اتهامات سوءرفتار قضات فدرال، مخصوصاً قضات دیوان عالی و نه قضات منطقه‌ای با مسامحه و چشم‌پوشی برخورد کرده است. ولی در سطح ایالتی نظارت سخت‌گیرانه‌تر حاکم و واکنش‌های متنوع‌تری اتخاذ گردیده، در موارد بسیاری که تخلفات جزئی بوده، پرونده سوءرفتار به صورت غیررسمی و خصوصی رسیدگی می‌گردد که این رویه می‌تواند مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته و هم‌چنین می‌توان با اتخاذ مجازات‌های انتظامی با رویکرد باسازگارانه و نه صرفاً سزاگرایانه در برخورد با قضات متخلف، گام مثبتی برداشت.

واژگان کلیدی: تخلفات قضایی، سوءرفتار، مجازات انتظامی، سیاست کیفری.

رضی خادمی، فاطمه، ایروانیان، امیر، و پاک نهاد، امیر. (۱۴۰۲). تخلفات قضایی در بستر سیاست کیفری ایران و آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۴)، ۹۴-۱۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



اهمیت نقش قضات در جامعه یک واقعیت تاریخی، قابل احترام و شناخته شده است. "اخلاق قضایی" بیانگر قدرت قضات در جامعه است. قضات مقامات مهم حکومتی یا دولتی هستند که اختیارات آن‌ها به هر گوشه‌ای از جامعه می‌رسد. قضات اختلافات بین مردم را حل می‌کنند، قوانین را تفسیر و به کار می‌گیرند. از طریق آن فرایند، آن‌ها حقوق و مسئولیت را تعیین می‌کنند، قضات به‌مانند، محورهای هستند که چرخه‌های عدالت روی آن چرخانده می‌شوند، آن‌ها رسیدگی‌های پیش رو را اداره می‌کنند، انجام محاکمات، پرونده‌ها را حل و فصل و در مورد دادخواست‌ها تصمیم‌گیری می‌نمایند، نظارت بر افراد تحت نظارت، تحمیل احکام کیفری حل اختلاف و تجدیدنظر از دیگر وظایف ایشان می‌باشد. در این فرایند آن‌ها حقایق را پیدا و قانون را اعمال می‌کنند. نسخه ایده‌آل قاضی این است که مستقل از فشارهای زندگی روزمره و عاری از تأثیرات سیاسی اختلافات را حل و فصل نماید. با توجه به انتظارات بالایی که از قضات داریم، جای تعجب نیست که فراموش کنیم آن‌ها انسان‌هایی هستند که دارای نقاط ضعف و قوت هستند، قضات از قدرت عظیمی به‌خصوص در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا برخوردار هستند و بنابراین جامعه به‌درستی انتظار بسیاری از آن‌ها دارد، قضات بایستی اصول رفتار حرفه‌ای مربوط قضات را رعایت نمایند؛ عادل، بی‌طرف، صبور، خردمند، کارآمد و باهوش باشند، عقاید سیاسی و تعصبات خود را کنار بگذارند، تصمیمات منطقی بگیرند و از قانون پیروی کنند.

به قضات قدرت اعمال تصمیم‌گیری سپرده می‌شود که اثرات قابل توجهی بر زندگی، آزادی و اموال دارد. چنین قدرتی تنها باید در کسانی مطرح شود که معیارهای رفتار شخصی آن‌ها غیر قابل تردید است. حفظ استانداردهای بالای رفتار قضایی از اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی حمایت می‌کند. و عدالت و احترام عمومی به نهاد قضایی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین هر زمان، رفتاری که پتانسیل به خطر انداختن این اهداف را داشته باشد باید به‌دقت بررسی شود و تاحدامکان از آن اجتناب شود. خارج از کرسی قضاوت، هر قاضی باید "استانداردهای رفتار را بسیار بالاتر از استانداردهای رفتار در کل جامعه" رعایت کند. همچنین قاضی باید فارغ از هر گونه نفوذ، انگیزش، فشار، تهدید یا مداخله بیرونی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از هر ناحیه و به هر دلیل، به وظیفه خود عمل کند. نسبت به نفوذ بیرونی نیز باید گفت که قاضی در اجرای قوانین نباید به این امر توجه داشته باشد که دو طرف دعوای مطرح شده در دادگاه، نزد عموم مردم، رسانه‌های گروهی، مقامات دولتی یا دوستان یا خانواده خود قاضی شناخته شده یا ناشناس اند. قاضی نباید تحت تأثیر منافع حزبی، جنجال‌های عمومی یا ترس از انتقاد به این سو و آن سو متمایل شود و باید رای خود را بدون تأثیر پذیری صادر کند (شاه حیدری و همتی، ۱۳۸۹، ۵۷-۵۵). یکی از راه حل‌های ریشه کن کردن فساد، بهبود ساختار حاکمیت قوه قضائیه است. اگر رویه‌های انتخاب شفاف و مبتنی بر معیارهایی باشد که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار نگرفته باشد، شوراهای قضایی می‌توانند انسجام رویه انتصاب قضایی را بهبود بخشند (منفرد، ۱۳۹۵، ۳۱).

ما در این نوشتار به‌صورت تطبیقی به مقایسه سیاست کیفری ایران و آمریکا در بحث تخلف انگاری و پاسخ‌دهی می‌پردازیم، زیرا مطالعه رویه کشورهای و نظام‌های حقوقی دیگر به‌خصوص رویه دادگاه‌های ایالت متحده به‌عنوان مدلی پیشرو در بحث تخلف انگاری و اتخاذ ضمانت اجرای متنوع، کمک قابل توجهی در یافتن مسیر درستی که باید طی شود، خواهد داشت. در واقع مقایسه سیاست کیفری با دیگران باعث می‌شود که خلأها و نقاط قوت شناسایی و به آن پی ببریم و با حقوق تطبیقی افق و میدان دید گسترش خواهد یافت، زیرا مطالعه حقوق تطبیقی گزینه‌های در دسترس ما را غنی می‌کند. در این باب سعی بر این است که ابتدا راهبردهای کلان سیاست کیفری ایران و آمریکا در سطح فدرال و ایالتی (کالیفرنیا و تگزاس) در قبال تخلفات قضایی مورد بحث قرار گیرد.

از آنجاکه هر سیاست کیفری در بحث تخلف انگاری بر پایه یکسری اصول و مبانی شکل گرفته است، در رسیدگی‌های کیفری یکسری اصول حکم‌فرماست نظیر اصل استقلال قضات، اصل شفافیت و اصول دادرسی عادلانه که مورد تأکید اسناد بین‌المللی نیز قرار گرفته‌اند و هر نظام حقوقی ملزم به رعایت آن می‌باشد و در موضوع رسیدگی به تخلفات قضایی، قاعداً، دادگاه‌ها و کمیسیون‌های حسن رفتار قضایی به این اصول پایبند بوده. اصول رفتار قضایی بنگلور را می‌توان به‌عنوان مبنا نمودار اخلاق قضایی در صحنه جهانی توصیف کرد. آن‌ها جدیدترین و احتمالاً مهم‌ترین چارچوب بین‌المللی اخلاق قضایی را تشکیل می‌دهند. گذشته از اسناد حقوقی بین‌المللی و فراملی، اخلاق قضایی نیز از مدت‌ها پیش مورد بحث ملی است. به‌عنوان مثال بسیاری از ایالات آمریکا از قرن نوزدهم کدهای رفتاری قضایی که شامل کانون‌های پنج‌گانه می‌باشند را تصویب کرده‌اند. اولین کد اخلاق حقوقی در سال ۱۸۸۷ توسط کانون وکلای ایالتی آلاباما تهیه و تنظیم شد. بین سال‌های ۱۸۸۷ و ۱۹۰۶ بسیاری از ایالات مانند جورجیا، ویرجینیا، میشیگان و دیگر ایالت‌ها این سیاست را اتخاذ نمودند. کانون وکلای دادگستری آمریکا چنین مقرراتی را در سال ۱۹۰۸ به تصویب رسانده است. امروز چنین اسنادی تقریباً برای هر ایالت ایالات متحده یافت می‌شود. می‌توان مشاهده کرد که آنچه در واقع تحت قوانین فوق‌الذکر ایالات متحده تنظیم می‌شود، رفتار قضایی است و هیچ اشاره‌ای به اخلاق قضایی صورت نمی‌گیرد (Greece, 2017, 405).

کدهای رفتاری بسته به نظام حقوقی کشورها از نظر ساختاری و نحوه اجرا متفاوت هستند. از لحاظ ساختاری کدهای رفتاری مصوب کشورهای دارای نظام حقوق مدون با کشورهای حقوق عرفی متفاوت است. در این کشورها قواعد انضباطی همانند ساختار قوانین کیفری تنظیم می‌شوند؛ اما در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی کدهای رفتاری قضایی مجموعه‌ای از اصول کلی هستند که الهام‌بخش رفتار قضایی می‌باشند. در کشورهای کامن‌لا این اصول با عبارات کلی، ارزش‌های بنیادین کار قضایی را تشریح می‌کنند. ارزش‌هایی نظیر استقلال، بی‌طرفی، سلامت، پشتکار و شایستگی. سپس به دنبال این اصول فهرستی از قواعد می‌آیند که قضات باید یا نباید انجام دهند. اگرچه این اصول لازم‌الاجراست اما هر نوع نقض این اصول منتهی به اعمال مجازات نمی‌شود. عواملی مانند میزان شدت نقض قاعده، دفعات نقض، تبعات منفی نقض قاعده برای وجهه دستگاه قضایی در این مسئله دخیل هستند (اکبری رود پشته، ۱۳۹۷، ۸۷). در آمریکا (هم در سطح ایالتی و هم فدرال) نقض کد رفتاری ممکن است مجازات‌های انتظامی را برای قضات در پی داشته باشد.

۱- تعریف و مبانی تخلف قضایی در ایران و آمریکا

سیاست کیفری، به‌منظور حمایت از ارزش‌های اخلاقی و رفتاری حاکم بر قوه قضاییه و حفظ استقلال این قوه و رعایت شأن قضایی به تخلف انگاری رفتارهایی که این اصول را نقض می‌کند دست زده است و با وضع و اعمال واکنش‌های انضباطی در قبال این رفتارها درصدد حمایت از استقلال قوه قضاییه می‌باشد و متناسب با این تخلفات پاسخ‌های انتظامی متنوعی در نظر گرفته است. البته بایستی ذکر کرد که تخلف انگاری بر اساس یکسری مبانی عقیدتی و اجتماعی استوار است که در سیر قانون‌گذاری بدان توجه داشته‌اند و هم چنین اصولی کلی بر روند رسیدگی‌ها حکم‌فرماست که دادگاه‌ها ملزم به رعایت این اصول می‌باشند، اصولی نظیر استقلال قضات، اصل رعایت حریم خصوصی، اصل شفافیت و اصل مصونیت. سیاست کیفری ایران دیر زمانی است که با وضع مقرراتی البته به‌صورت پراکنده به حمایت از این ارزش‌ها و اصول پرداخته است و با تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات، اقدامات مهمی را در جهت یکپارچه‌سازی رسیدگی‌ها برداشته است هر چند هنوز در این قانون با ابهاماتی در نحوه تخلف انگاری روبرو هستیم. بایستی ذکر نمود که بازرسی از عملکرد قضایی و نظارت بر رفتار آنان از اصول و قواعد خاصی پیروی می‌کند؛ امری که اختصاص به عصر معینی نداشته و همواره مورد توجه بوده است. در کشور ما، از زمان ایجاد تشکیلات نوین عدلیه، در کنار سایر سازمان‌های مربوط به دادرسی، تشکیلات و شیوه‌های مشخصی برای نظارت قضایی تبیین شده است. قوانین و مقررات مربوط به این نظام نظارتی در طول حدود یک قرن گذشته، همواره دستخوش اصلاحات و تغییرات بوده است؛ به‌نحوی که قواعد

مربوط به نظارت انتظامی قضات از قوانین متعددی که گاهی تشخیص ناسخ و منسوخ آن‌ها امر ساده‌ای نبوده، مستفاد می‌گردید. همین امر سبب شد که در سال‌های اخیر با هدف یکسان این مقررات و با نگاهی و به فرایند نظارت‌ها، قوه قضاییه لایحه جامعی را تدوین و جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی به دولت ارسال نماید (طهماسبی، ۱۳۹۰، ۲۱۱-۲۱۰). که نهایتاً تحت عنوان «قانون نظارت بر رفتار قضات» در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در قانون نظارت بر رفتار قضات که در حال حاضر به‌عنوان قانون و منبع اصلی در برخورد انتظامی با تخلفات قضات از آن بهره می‌بریم مقنن به دنبال حفظ شأن والای مقام قضاوت از طریق کنترل رفتار حرفه‌ای با در نظر گرفتن مجازات‌ها و تنبیهات انتظامی پیشگیرانه و بعضاً سخت‌گیرانه بوده است به‌رحال با تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات به دنبال انتظام بخشیدن به رفتار حرفه‌ای مربوط به قضات دادگستری بوده‌اند.

و اما در سیاست کیفری آمریکا، کدهای رفتار قضایی، دستورالعمل‌هایی برای نظارت و بررسی فعالیت‌های غیرقانونی قضات و همچنین فعالیت‌های غیراخلاقی آن‌ها را ارائه می‌نماید. این قوانین علاوه بر محدودیت‌هایی در مورد فعالیت‌هایی که بخشی از عملکرد رسمی قضایی است، محدودیت‌هایی را در مورد رفتار قضایی خارج از دادگاه نیز اعمال می‌کند. در واقع، قانون به‌صراحت بیان می‌کند که "قاضی باید از سوءاستفاده از مقام قضایی و رفتار ناسازگارانه در کلیه فعالیت‌ها خودداری کند" و "باید در همه زمان‌ها به‌گونه‌ای عمل کند که اعتماد مردم را به صداقت و بی‌طرفی دستگاه قضایی ارتقا بخشد." حفظ اعتماد عمومی به قوه قضائیه، نهادی مستقل که قانون را اجرا می‌کند، ضروری است. این کد از استانداردهای عمومی و قوانین خاص تشکیل شده است. به‌عنوان یک موضوع کلی، قضات را ملزم می‌داند که از یکپارچگی و استقلال قوه قضاییه حمایت کنند و وظایف قضایی را با جدیت و بی‌طرفی انجام دهند و رفتار مناسبی در دادگاه و خارج از دادگاه داشته باشند. این استانداردهای کلی توسط برخی از مفاهیم خاص در قانون و با تصمیم دادگاه که آن‌ها را در زمینه‌های مختلف واقعی تفسیر می‌کند، معنای قطعی‌تری می‌یابند. کنگره در سال ۱۹۸۰ قانون راجع به ناتوانی شغلی و حسن رفتار قضایی و قانون اصلاح شوراهای قضایی^۱ را به تصویب رساند که مکانیزم دقیقی را برای رسیدگی علیه قضات فدرال ایجاد نمود. بسیاری از مسائل مربوط به سوءرفتار و عدم توانایی شغلی در نزد قضات فدرال به‌صورت غیررسمی توسط خود قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در مقابل، موفقیت روبه گسترش روش‌های غیررسمی تا حد زیادی از تصویب قوانین موضوعه راجع به رعایت قانون حسن رفتار قضایی در سطح فدرال تأثیر می‌پذیرند (نیوبر، ۱۳۸۹، ۳۴۳).

موضوع رفتار حرفه‌ای، بررسی مجموعه صفات و شیوه‌های رفتاری و پسندیده‌ای است که صاحبان حرفه‌های گوناگون از جمله قضات باید رعایت کنند و مجموعه صفات و اعمال نكوهیده‌ای که لازم است از آن اجتناب کنند. این امر در هر حرفه با توجه به مقتضیات و ضرورت‌های آن متفاوت است، و از این‌رو لازم است اخلاق حرفه‌ای را در هر حرفه به‌طور خاص تعریف و تبیین نمود. اخلاق قضایی در سیستم‌های حقوقی ایالتی و فدرال از استاندارد ضروری سلامت قضایی است. به عقیده سیستم‌های حقوقی مذکور به‌کارگیری روش‌های استاندارد شده جهانی مدیریت دادگستری نقش بسزایی در استقرار عدالت از طریق قوه قضائیه دارد. آگاهی از این استانداردها، جذب آن‌ها در قوانین و مقررات داخلی، زمینه‌سازی به‌منظور نهادینه‌شدن این استانداردها و ایجاد سازوکارها و ضمانت اجراهای دقیق و شفاف گام مهمی در راستای توسعه قضایی است (همتی و داوودی، ۱۳۹۶، ۲۷۸).

تخلف انتظامی تعریف خاصی در قوانین ندارد؛ ولی نقص مقررات صنفی به‌وسیله یکی از اعضاء صنف مانند تخلف قاضی، وکیل، کارشناس، سردفتر و دفتریار را جرم انضباطی، تقصیر انضباطی هم گفته‌اند. تخلف انضباطی به‌اندازه جرم‌ها صریح و قطعی نیست به همین جهت عدم لیاقت و عدم رعایت شئون صنفی هم تخلف انضباطی است؛ ولی نظیر این‌ها در جرایم نیست در مورد تخلف انضباطی؛ تناسب انضباطی با

¹ Judicial councils reform Act

شغل متخلف را رعایت می‌کنند. به صورت توییح، تعلیق موقت، انفصال و غیره؛ اما در کیفر جرایم غالباً تناسب با مشاغل مجرمین نمی‌شود؛ مانند اعدام و حبس و جزای نقدی و غیره (لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۱۶۷).

در توضیح و تبیین تخلفات انتظامی بیان این واقعیت ضروری است که هر فعل یا ترک فعلی که واجد وصف مجرمانه باشد حتی در صورت عدم قابلیت محکومیت کیفری (مثلاً فقدان عنصر معنوی و سوءنیت) جز در موارد استثنایی می‌تواند تحت عنوان فعل خلاف شأن یا ترک آن و مغایر حیثیت شغل قضاوت از جهت انتظامی قابل تعقیب باشد و این ویژگی را تخلفات انتظامی، واجد هستند که به محض ترک مسئولیت‌های مدنی، قاضی دادگستری را در معرض تعقیب انتظامی هم قرار می‌دهد (باری، ۱۳۹۶، ۱۷۳).

شخصی در صورتی از نظر انتظامی مسئول است که مکلف به تحمل یکی از مجازات‌های انتظامی گردد، اگر چه در مسئولیت‌های مدنی معمولاً اموال و در مسئولیت کیفری حیثیت، جان، آزادی یا مال شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ اما عواقب مسئولیت انتظامی معمولاً متوجه موقعیت شغلی، اداری و مقام شخص می‌گردد. تخلف انتظامی موجب مسئولیت انتظامی می‌شود و آن عدم انجام وظایف شغلی و یا تجاوز از حدود قانونی مربوط است که شخص حین خدمت یا به سبب آن مرتکب می‌شود.

در موضوع مورد بحث، عدم تعریف تخلف انتظامی قضات ایراد اساسی می‌باشد؛ زیرا معنای لغوی و عرفی تخلف مشخص می‌باشد با لحاظ اینکه معنای لغوی و عرفی تخلف قابل تسری به سایر کارمندان دولت و... نیز می‌باشد اکتفا به عرف و لغت چندان موجه نمی‌باشند؛ زیرا تخلف انتظامی به موجب قوانین رسیدگی به تخلفات انتظامی کارکنان دولت، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، نیروهای مسلح، تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری، وکلای دادگستری و... صورت می‌گیرد و ملاک قراردادن معنای لغوی و عرفی موجب بروز اختلاف و تفاسیر متعدد در موضوع خواهد شد. پس وجود تعریف قانونی در موضوعات و الفاظ توسط قانون‌گذار واجب، لازم و ضروری می‌باشد (بوستانی، ۱۳۹۷، ۴۰).

طرح اتهام عدم رفتار صحیح علیه قضات منعکس‌کننده فقدان درک صحیح از نقش قضات در نظام ترفعی است. قضات به خاطر صدور احکامی که از نظر جامعه مناسب نیست مورد انتقاد قرار می‌گیرند. مانع اصلی پیش روی قضاتی که در مرکز نظرات منفی عامه مردم قرار دارند، استاندارد رفتار قضایی است که قضات را از اظهار نظر در مورد پرونده‌ها منع می‌کند. اما برخی قضات برای دفاع مناسب و غیر متعصبانه از احکام خود، راه‌هایی پیدا می‌کنند (نیوبر، ۱۳۸۹، ۳۴۱). نمونه‌های از موارد خاص سوء رفتار عبارت‌اند از: استفاده از لحن خشن و عصبانی، فقدان بی‌طرفی، عدم صلاحیت، فعالیت‌های نامناسب سیاسی یا حتی خیرخواهانه، رفتار جنسی مزاحم، رفتار جنایی، مناقشه بر سر منافع، تعصب نژادی یا قومی، ناتوانی جسمی یا روانی، ورشکستگی یا عدم پرداخت بدهی، سوء استفاده از اعتبار دفتر، دریافت رشوه، حضور نامناسب در دادگاه (Goldschmid, 2009, 456).

علی‌رغم نقش قاضی، باید عدالت مطابق قانون اداره شود، نه مطابق حس شخصی عدالت. مهم‌تر این است که قاضی به جای تکیه بر عقل سلیقه ذاتی خود، با استفاده از معیارهای اخلاقی رفتار قضایی هدایت شود. با افزایش قدرت قضایی، نیاز به پیروی از معیارهای اخلاقی روشن نیز وجود دارد.

کدهای رفتار قضایی استاندارد را برای ارزیابی رفتار قضایی ارائه می‌دهد و همچنین به عنوان راهنمایی برای قضاوت در مورد آنچه وجود دارد و قابل قبول نیست (از سمت قضات) عمل می‌کند. توافق گسترده‌ای وجود دارد که قاضی نباید از موقعیت و قدرت خود سوء استفاده کند. دستیابی به عدالت نه تنها به اختیار و توانایی‌های هر قاضی بستگی دارد، بلکه به کاری که این قاضی انجام می‌دهد تا اطمینان دهد که هر اقدامی به طور عادلانه شنیده می‌شود و تصمیم گرفته می‌شود و دادخواهان و عموم مردم به بی‌طرفی و استقلال قوه قضاییه اعتماد دارند. قانون رفتار

قضایی به‌راحتی در دسترس است و بیش‌ترین تفسیر را به خود جلب کرده است و اصلاحاتی در برخی موارد صورت گرفته و مرجعی خوبی برای تطابق رفتار قضات با آن است (Sharman, 1996, 22).

تدوین کدها می‌تواند فرصتی برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعات اخلاقی باشد و همچنین به‌عنوان راهنمایی برای قضات است. ایالات متحده حداقل از دهه ۱۹۲۰ میلادی انواع مختلف کدهای قضایی را آزمایش کرده است. این پیشرفت اولیه ممکن است تا حدودی با عمل آمریکا در انتخاب برخی از قضات و افزایش احتمالی سوءرفتارهای قضایی توضیح داده شود. دلیل توسعه اولیه آن هر چه باشد، وسعت تجربه آمریکا اظهارنظرهای زیادی را جلب کرده است و بایستی از موفقیت‌ها و شکست‌های این نظام تجربه کسب کرد. گذشته از اسناد حقوقی بین‌المللی و فراملی، اخلاق قضایی نیز از مدت‌ها پیش مورد بحث ملی است. به‌عنوان مثال بسیاری از ایالات متحده آمریکا از قرن نوزدهم آیین‌نامه‌های رفتاری قضایی را تصویب کرده‌اند. اولین کد اخلاق حقوقی در سال ۱۸۸۷ توسط کانون وکلای ایالتی آلاباما تهیه و تنظیم شد. بین سال‌های ۱۸۸۷ و ۱۹۰۶ بسیاری از ایالات مانند جورجیا، ویرجینیا، میشیگان و دیگران دنبال شدند. کانون وکلای دادگستری آمریکا چنین مقرری را در سال ۱۹۰۸ به تصویب رسانده است. امروز چنین اسنادی تقریباً برای هر ایالت ایالات متحده یافت می‌شود. با این وجود، می‌توان مشاهده کرد که آنچه در واقع تحت قوانین فوق‌الذکر ایالات متحده تنظیم می‌شود، رفتار قضایی است (Greece, 2017, 407).

۲- مصادیق تخلفات قضایی

۲-۱- مبانی و مصادیق تخلفات در ایران

تخلفات انتظامی قضات به‌موجب مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات تعیین گردیده که این مواد مؤید اصل قانونی بودن تخلفات به طور معین می‌باشد. به‌طور کلی در تعیین و تشخیص تخلفات انتظامی چندین رویه در قوانین انتظامی و موضوعه قابل رؤیت است. الف) قانون‌گذار به طور صریح تخلفات را احصاء نموده است که نمونه بارز آن اقدام به تعیین تخلفات در قالب مواد ۱۴ و... قانون نظارت می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده ۱۴ قانون نظارت با استعمال لفظ «با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب» قاعده تناسب تخلف و مجازات را مورد توجه قرار داده است. از طرفی با لحاظ این قاعده زمینه دادرسی عادلانه و تصمیم منطقی با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب تخلف را فراهم نموده است (بوستانی، ۱۳۹۷، ۴۳).

ب) قانون‌گذار به طور صریح و مشخص مجازات و تخلف و تنبیه را مشخص نموده است و به تعبیر دیگر تخلف احصاء نگردیده است؛ بلکه به‌طور کلی روش تعیین تخلف و وقوع آن اعلام گردیده است قانون‌گذار در ماده ۱۸ قانون نظارت این رویه را اتخاذ نموده است؛ زیرا در ماده موصوف مقرر گردیده است «تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون و یا سایر قوانین برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج است».

ج) قانون‌گذار در سایر قوانین موضوعه به طور مشخص و معین تخلف و مجازات آن را مشخص می‌نماید و به تعبیر دیگر در این رویه قانون‌گذار در ذیل ماده قانونی ضمانت عدم رعایت قانون را در قالب میزان و نوع تخلف پیش‌بینی می‌نماید.

عنوان فصل دوم از قانون نظارت به مجازات‌ها و تخلفات انتظامی اختصاص داده شده است و قانون‌گذار ذیل این ماده در فصل دوم به احصاء و تمثیل مصادیق تخلفات و مجازات‌های انتظامی پرداخته است البته در قالب درجه‌بندی ۱۳ گانه قانون‌گذار در بحث مجازات‌های انتظامی احصاء را مدنظر قرار داده و این در حالی است که در مواد ۱۳ الی ۱۸ به ذکر صریح تخلفات انتظامی پرداخته است. آنچه که مسلم است احصاء مصادیق به موجب مواد موصوف مؤثر در مقام نمی‌باشد و به تعبیر دیگر این احصاء مفید حصر نمی‌باشد؛ زیرا استعمال برخی از

عبارات قانونی در مواد موصوف و بندهای آن به نحوی است که حصر و احصاء تخلف را زایل می‌کند. ماده ۱۸ قانون نظارت مصداق بازر در گریز از حصر و احصاء تخلفات می‌باشد زیرا قانون‌گذار مقرر نموده است: «تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج می‌باشد سابقاً در شرح مواد قانون نظارت در خصوص نحوه پیش‌بینی تخلفات انتظامی توسط قانون‌گذار مطالبی بیان گردید و با توجه به اطلاق ماده ۱۸ دست‌یابی، دسته‌بندی و احصاء سایر تخلفات پیش‌بینی شده، در مقررات موضوعه، مستلزم استقراء و تتبع در نصوص قانون می‌باشد.» (همان، ۳۷)

تخلفات احصاء شده در قانون نظارت بر رفتار قضات عبارت‌اند از: تخلفات مربوط با وظایف قضات تخلفات ناشی از اعمال نظارت، تخلفات عمومی ناشی از سمت قضایی

۱-۱-۲- تخلفات ناشی از انجام وظایف شغلی از جمله تخلف مربوط به جلسات و اوقات رسیدگی، تخلف در تنظیم صورت‌جلسات و اوراق تحقیق، تخلف در اخذ تصمیمات قضایی، تشکیل جلسه رسیدگی بدون رعایت حد نصاب قضات، اهمال در انجام وظایف محوله، اعمال نظر ماهوی قبل از صدور رأی، خودداری از اعتباربخشی به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی، بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن، ناخوانا نوشتن تصمیمات خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قانونی، استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی و... است

۲-۱-۲- پس از تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات (مصوب ۹۰) و به موجب مقررات مندرج در بند ۴ ماده ۱۴ قانون موصوف عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضایی بر عملکرد اداری شعب موجب بروز تخلفی می‌گردد که متخلف به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند تخلفات ناشی از اعمال نظارت که منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب یا عدم اعمال نظارت دادستان نسبت به دادیار و بازپرس و خودداری از اعلام تخلفات و گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات است عدم نظارت بر امور دفتری، عدم نظارت بر اوقات که منجر به شمول مرور زمان می‌شود، عدم نظارت موجب اختلال در مسائل قضایی، عدم نظارت منجر به بی‌ترتیبی اوراق و محتویات پرونده، عدم نظارت بر ابلاغ دادنامه‌های صادره، عدم نظارت بر در ارسال پرونده به مرجع بالاتر، عدم نظارت منجر به بی‌نظمی در تعیین وقت رسیدگی.

۳-۱-۲- تخلفات عمومی ناشی از سمت قضایی (صنفی) از قبیل؛ تخلفات عمومی که در قانون نظارت بر رفتار قضات به آن توجه شده است که از آن جمله می‌توان به رفتار خارج از نزاکت حین انجام انجام وظیفه یا به مناسبت آن، سوء استفاده از اموال دولتی، عمومی و توقیفی، اشتغال به مشاغل رسمی دیگر، پذیرفتن هر گونه هدیه، خدمت و امتیاز غیر متعارف و نهایتاً رفتار خلاف شان قاضی و تخلف از قوانین موضوعه اشاره نمود

۲-۲- مصادیق سوء رفتار قضایی در آمریکا

قضات به علت نقش ویژه خود در نظام ترفعی، نسبت به وکلا در معرض محدودیت‌های اخلاقی مضاعفی قرار دارند هر ایالت مدلی را برای اخلاق حرفه‌ای به تصویب رسانده است. هدف از این قوانین و یا مقررات حفظ یکپارچگی نظام قضایی و تقویت اعتماد عمومی به این دستگاه است. مطالعه‌ای که توسط مرکز نظارت بر رعایت اخلاق حرفه‌ای قضایی وابسته به جامعه قضایی آمریکا در مورد احکام صادره از سوی کمیسیون نظارت بر حسن رفتار قضایی کشور انجام گرفت نشان می‌دهد که پرونده‌های اصلی منتهی به صدور حکم مجازات علیه قضات شامل آن دسته از قضاتی می‌شود که یا به هنگام راندگی مست بوده و یا در صدور حکم پرونده‌های تحت بررسی بدون دلیل موجه تعلل می‌ورزیدند (نیویر، ۳۴۴، ۱۳۸۵).

دادرسی‌ها مربوط به سوءرفتار قضایی، تحت قانون فدرال راجع به ناتوانی شغلی و حسن رفتار قضایی و قوانین ایالتی در خصوص رفتار قضایی ایالات متحده آمریکا انجام می‌شود، اینکه آیا قاضی تحت پوشش درگیر رفتار تعصب‌آمیز نسبت به عملکرد مؤثر و سریع در دادگاه‌ها بوده یا به دلیل ناتوانی روحی یا جسمی قادر به انجام وظیفه نیست قضات تحت شمول این قانون، محدود به قضات دادگاه‌های تجدیدنظر ایالات متحده، قاضی دادگاه‌های ناحیه ایالات متحده، قضات دادگاه‌های ورشکستگی ایالات متحده و قضات مشخص شده در کد ۲۸ ایالات متحده است؛ ولی این قوانین در مورد قضات دیوانعالی فدرال جاری نیست، اکثر موارد منتهی به اثبات اتهام سوءرفتار مربوط به قضات فدرال منطقه‌ای (قضات مدار) هست. و در مورد قضات دادگاه‌های عالی و تالی ایالتی نیز اجرا می‌گردد. حداقل ۳ گرایش از سوءرفتار قضایی وجود دارد: رفتار نامناسب در دادگستری، سوءاستفاده از اعتبار و منزلت و سوءرفتار اداری.

۲-۱- نقض استانداردهای خاص رفتارهای قضایی

- استفاده از اعتبار منصب قضاوت برای دستیابی به اهداف به‌ویژه در ارتباط با دوستان یا اقوام، قبول رشوه، هدایا - درگیر شدن در ارتباطات نامناسب با طرفین یا وکلای آن‌ها، مشارکت در فعالیت سیاسی حزبی یا اظهارات نامناسب حزبی، درخواست وجوه برای سازمان‌های خیریه، نقض قوانین یا استانداردهای مربوط به محدودیت درآمد

۲-۲- رفتار ناهنجار یا آزاردهنده

درگیر شدن در رفتارهای ناخواسته، توهین‌آمیز یا سوءاستفاده جنسی

برخورد خصمانه با دادخواهان، وکلا، کارمندان دادگستری

ایجاد یک محیط کار خصمانه برای کارمندان قضایی

تبعیض عمدی بر اساس نژاد، رنگ، جنس، مذهب، ملیت، سن یا ناتوانی^۱.

۲-۳- رفتارهای تلافی‌جویانه و انتقام‌جویانه، سوءرفتار قابل تشخیص شامل؛ انتقام‌جویی در برابر شاکیان، شاهدان، کارمندان دادگستری و یا دیگر افراد حاضر در فرایند شکایت. تلاش یک قاضی برای مقابله به مثل با هر شخصی به دلیل گزارش یا افشای رفتار ناشایست، یا شرکت در روند شکایت به طریقی دیگر، سوءرفتار قابل تشخیص است. قانون به منظور ارتقا اعتماد عمومی به روند شکایت، منع این اقدامات را صریحاً اعلام کرده است.

۲-۴- عدم همکاری در مراحل رسیدگی به شکایت. سوءرفتار قابل تشخیص شامل خودداری از همکاری قبل از تحقیقات رسمی یا در جریان تحقیق و بررسی دلیل شکایت یا اجرای تصمیمی است که طبق قوانین ارائه شده است.

عدم گزارش یا افشای اطلاعات سوءرفتار قابل شناخت شامل عدم توجه قاضی ارشد مربوطه یا قاضی ارشد مدار مربوطه، در مورد هرگونه اطلاعات موثقی که احتمالاً موجب سوءرفتار یا ناتوانی قضایی می‌شود.

۲-۵- فعالیت‌های خارج از اختیارات و وظایف رسمی، سوءرفتار قابل تشخیص شامل رفتاری است که خارج از انجام وظایف رسمی رخ می‌دهد در صورتی که رفتار قاضی تأثیر منفی بر اداره دادگاه‌ها داشته باشد، از جمله کاهش قابل توجه و گسترده اعتماد عمومی به دادگاه‌ها در بین افراد معقول.

¹ Rules For Judicial – Conduct And Judicial-Disablity Proceedings, Adopted by the judicial Conference on March 11.2008. <http://www.uscourts.gov/file/19855/download>

۲-۲-۶- نقض آیین دادرسی

- ادعاهای مربوط به محاسن یک تصمیم یا حکم دادرسی، سوء رفتاری قابل تشخیص نیست که صحت حکم قاضی را زیر سوال ببرد. مگر ادعا شود که این تصمیم یا حکم نتیجه یک انگیزه نادرست است، به عنوان مثال، رشوه، تعصب نژادی یا قومی، یا رفتار ناشایست در تصمیم‌گیری یا حکم، مانند اظهارات تحقیرآمیز شخصاً غیر مرتبط با مسائل، سوء رفتار قابل تشخیص به حدی که شایستگی‌های آن را زیر سؤال ببرد. - ادعاها درباره تأخیر در رسیدگی؛ سوء رفتار قابل تشخیص شامل ادعایی درباره تأخیر در صدور تصمیم یا حکم نیست، مگر اینکه این ادعا مربوط به انگیزه نامناسبی در به تأخیر انداختن تصمیم خاص یا تأخیر عادی در تعداد قابل توجهی از موارد باشد.^۱

۲-۲-۷- ناتوانی جسمی و روانی

یک اختلال موقتی یا دائمی جسمی یا روحی است که باعث می‌شود قاضی نتواند وظایف مربوط را به خوبی انجام دهد، مثل سوء مصرف مواد، سوء مدیریت دادگاه، عدم توانایی در کنترل دادرسی، عدم هشیاری در طی مراحل دادرسی یا اختلال در توانایی‌های شناختی که باعث می‌شود قاضی نتواند عملکرد مؤثر داشته باشد.

۳- ضمانت اجراها و معیارهای تعیین واکنش در ایران و آمریکا

۳-۱- معیارهای تعیین واکنش

اتخاذ تنبیه‌های انتظامی و تعیین دقیق تنبیه قابل اعمال در قبال هر تخلف در قوانین ایران ویژگی منحصر به فرد است قانون نظارت بر رفتار قضات، سیزده درجه از مجازات‌های انتظامی را بر شمرده است که خفیف‌ترین آن‌ها توبیخ بدون درج در سابقه خدمتی است و شدیدترین آن هم انفصال دائم از خدمات دولتی. اما به طور کل، این مجازات‌ها به انواع توبیخ کتبی، کسر حقوق ماهانه، تنزل پایه قضایی، انفصال موقت، تبدیل به وضعیت اداری و انفصال دائم است. ولی در مقایسه با سیاست کیفری آمریکا مجازات‌های انتظامی در ایران آنچنان متنوع و گسترده نمی‌باشند که بتوان آن را مطلوب قلمداد نمود زیرا برای اینکه ما به یک سیاست کیفری مطلوب برسیم لازم است علاوه بر تخلف انگاری جامع، کامل و شفاف، به تعیین ضمانت اجراها متنوع در برخورد با تخلفات قضایی و در اعمال قاعده تناسب نیز به معیارها و اصول استاندارد توجه نماییم. هم چنین از طریق ایجاد مراجع رسیدگی کننده و حفظ استقلال این مراجع در برابر دیگر نهادها.

۱. رعایت تناسب بین تخلف و تنبیه با توجه به تنوع و گستردگی تخلفات متصور که ممکن است قاضی در مظان ارتکاب آن‌ها قرار

گیرد، اصل تناسب بین جرم و مجازات و نیز اصل تفرید مجازات‌ها ایجاب می‌کند که ضمانت اجراهای متنوعی در اختیار تصمیم‌گیرندگان باشد تا بتوانند با توان انتخاب بهتر و فراغ خاطر، نسبت به تعیین پاسخ انتظامی و متناسب‌سازی آن با تخلف واقع شده و شخصیت مرتکب اقدام نمایند

رعایت قواعد مربوط به تکرار و تعدد: به موجب ماده ۱۹ قانون، ارتکاب فعل واحد که واجد عناوین تخلف‌های متعدد باشد، مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی خواهد بود و چنانچه تخلف‌های ارتکابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مرتکب به مجازات خلافی اشد محکوم می‌شود. به موجب قسمت اخیر این ماده که در مقررات سابق انتظامی، سابقه ندارد، در صورت ارتکاب تخلف‌های متعدد هم نوع، تنها یک مجازات در خصوص مرتکب اعمال می‌شود و چنانچه تخلفات ارتکابی متعدد غیر هم نوع باشند، یعنی شخص، چندین تخلف گوناگون مرتکب شود، تنها مجازات تخلف اشد در خصوص وی اعمال می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۰، ۲۱۸).

^۱ . RULES FOR JUDICIAL-CONDUCT AND JUDICIAL-DISABILITY PROCEEDINGS; Judicial Conference Of The United States Judicial Council Of The Fifth Circuit , 15 Http:// www . ca5 . us courts . gov/default - source /

برای تعیین ضمانت اجرای مناسب در قبال سوءرفتار قضایی، یکسری اصول استاندارد وجود دارد که مورد توجه و استفاده کمیسیون‌های رفتار قضایی و دادگاه‌های ایالتی می‌باشد. همچنین فاکتورهای اضافی دیگری نیز، در سایر موارد مربوط به تصمیم به مجازات مناسب در پرونده سوءرفتار قضایی مشخص شده‌اند. مانند؛ تعهد قاضی به انصاف و اصلاح رویه‌اش. عدم صداقت، کمک‌های مثبت انجام شده توسط قاضی به جامعه، این که آیا رفتار قاضی، خلاف سیاست‌های مهم عمومی است و غیره که در تشدید و تخفیف مجازات انتظامی نقش مهمی دارند. دادگاه‌های عالی اعلام داشته‌اند که برکناری از سمت قضایی به‌عنوان شدیدترین اقدام در موارد نقض شدید، آشکار و مکرر قانون استفاده خواهد شد از معیارهای مهم در تعیین واکنش علیه قضات متخلف این می‌باشد که آیا افرادی در روند قضایی آسیب‌دیده یا تحت تأثیر سوءرفتار قاضی قرار گرفته‌اند، نحوه همکاری با کمیسیون‌های قضایی، عدم سابقه سوءرفتار، تعهد قاضی، تلاش به اصلاح رویه‌اش، اینکه آیا سوءرفتار قضایی در ارتباط باصلاحیت رسمی‌اش بوده یا مربوط به زندگی شخصی اینکه آیا قاضی دچار اختلالات رفتاری و ناتوانی جسمی بوده

در حال حاضر، کمیسیون‌ها و دادگاه‌ها در آمریکا بدترین موارد سوءرفتار قضایی را با مجازات‌های عمومی پاسخ می‌دهند باین حال، توبیخ عمومی برای اصلاح رفتار قاضی ناکافی است، جدا از برکناری قاضی با استعفای غیرارادی، سخت‌گیرانه‌ترین نوع اقدام توبیخ و هشدار عمومی است. بسیاری از کمیسیون‌های رفتار قضایی نام و جرائم قضاتی را که مجازات‌های عمومی دریافت می‌کنند. در وب‌سایت‌های خود قرار می‌دهند. تحریم‌های عمومی کسانی را که به دنبال شفافیت در نظم قضایی هستند راضی می‌کند، اما احتمالاً قاضی متخلف را شرم‌منده می‌کند. بسیاری این نتیجه را فضیلت اصلی نظم عمومی می‌دانند. باین حال، تحقیقات علوم اجتماعی نشان می‌دهد که شرمسار کردن قاضی به‌جای ایجاد انگیزه در تغییرات رفتاری مثبت، باعث افزایش عصبانیت و خصومت وی خواهد شد (Kahan, 1996, 634). بنابراین، اگرچه هدف صریح دادگاه انتظامی تحقیر قاضی نیست، اما شرم محصول احتمالی و جانبی چنین مجازاتی است.

۳-۲- مجازات‌های انتظامی

۳-۲-۱- توبیخ و اخطار کتبی

یکی از مهم‌ترین و درعین حال ابتدایی‌ترین ضمانت اجرای اداری توبیخ و اخطار کتبی می‌باشد. لازم به ذکر است که، در سیاست کیفری ایران توبیخ به دو صورت توبیخ با درج در پرونده و توبیخ بدون درج در پرونده هست، ولی در آمریکا این مجازات انتظامی به دو صورت کاملاً متفاوت صادر می‌گردد بدین صورت که در یک مدل توبیخ خصوصی صادر می‌گردد و فقط به خود قاضی اعلام می‌گردد، ضمناً توبیخ عمومی را نیز داریم؛ بدین صورت که در دستور توبیخ، نام و سمت قاضی نیز عمومی می‌گردد و به اعلام عمومی می‌رسد. باین حال، تحقیقات علوم اجتماعی نشان می‌دهد که شرمسار کردن قاضی به‌جای ایجاد انگیزه در تغییرات رفتاری مثبت، باعث افزایش عصبانیت و خصومت وی خواهد شد بنابراین، اگرچه هدف صریح دادگاه انتظامی تحقیر قاضی نیست، اما شرم محصول احتمالی و جانبی چنین مجازاتی است. شرم از روند انضباطی قضایی که با تأثیر رسانه‌های اجتماعی تشدید می‌شود، بنابراین منزوی کننده است و نه باز سازگاران است (Koelling, 2016. 91-93).

۳-۲-۲- کسر حقوق، فوق‌العاده شغل

یکی دیگر از ضمانت اجرای اداری کسر حقوق می‌باشد. به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه حقوق کارمند توسط دستگاه اداری به وی پرداخت می‌شود و باتوجه به اینکه در هنگام اجرای این ضمانت اجرای اداری دستگاه مربوطه با شکل خاصی و به عبارت بهتر سختی ویژه‌ای مواجه نمی‌شود؛ بنابراین یکی از کاربردی‌ترین ضمانت اجرای اداری کسر حقوق، فوق‌العاده شغل و عناوین مشابه می‌باشد (زینالی اقدام، ۱۰۴، ۱۳۹۱). در آیین‌نامه نظارت بر رفتار قضات دسته دوم تخلفاتی که موجب مجازات انتظامی درجه‌های چهارتا هفت هستند که شامل

کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال، کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال، تنزل یک پایه قضائی یا حتی تنزل دو پایه قضائی می شوند

۳-۲-۳- آمیکویس کوریا^۱

این نهاد در سال ۲۰۰۱ شروع به کارکرد یک سازوکار انضباطی و آموزشی است این برنامه برای رسیدگی به نگرانی های روبه رشد اغلب توسط رسوایی های گزارش شده از سوی رسانه ها از سوء رفتار قضایی ناشی از اختلالات رفتاری است. در مورد شکایت مربوط به سوء رفتار قضایی مربوط به اختلالات مانند سوء استفاده از مواد مخدر یا الکل یا بیماری های روانی. آمیکویس گزینه سوم را تحت نظر کمیسیون ارائه می دهد صلاحیت دستور دادن آموزش اضافی به قضاتی که به نظر می رسد یک قانون را نقض کرده اند.

۳-۲-۴- دستور آموزش خاص و تکمیلی

اگر اقدامات قضایی قاضی فراتر از اختیارات وی بوده است یا خلاف مقررات رویه ای است که در این شرایط، کمیسیون ممکن است دریابد که قاضی نقض وظایف دارد. سپس کمیسیون مرکز آموزش قضایی مناسب را برای قاضی متخلف تعیین می نماید. جایی که قاضی در یک آموزش خاص شرکت کند (State Commission On Judicial Conduct Fiscal Year 2008 , Annual Report , p18). این مرکز در مورد روند آموزشی و تکمیل آن قضاوت می کند و گزارش را به کمیسیون ارائه می دهد، کمیسیون همچنین ممکن است دستور دهد قاضی برای به دست آوردن آموزش در مورد موضوعات دیگر، از جمله مدیریت خشم، کنترل رفتارهای غیر اخلاقی یا کنترل رفتارهای متعصبانه، آموزش اضافی دریافت نماید.

۳-۲-۵- تعلیق^۲

در مواردی که سوء رفتار در ارتباط وظایف قضایی وی رخ نداده؛ بلکه در یک موضوع اداری داخلی رخ داده است و این سوء رفتار بر حقوق خاص هیچ یک از دادخواهان یا اعضای عمومی تأثیری نداشته است، اما دلالت بر نگرانی های عمومی تر دارد. دادگاه اظهار داشت که تعلیق مناسب تر است؛ زیرا رفتار قاضی مستلزم سوء استفاده از منصب قضایی یا اقدامات مجرمانه نیست که قدرت تصمیم گیری قضایی را خدشه دار کند یا با ادامه خدمات قضایی ناسازگار باشد. دادگاه با بیان اینکه تخلفات وی به زندگی شخصی وی و رابطه ناسازگار وی مربوط می شود، اظهار داشت: "تصویری که از سوابق ناشی می شود، مربوط به شخصی است که تحت تأثیر احساسات شدید قرار گرفته است (Gray, 2003).

کمیسیون پس از تشکیل پرونده و پس از اعلام قاضی و فرصتی برای حضور در کمیسیون، می تواند به دیوان عالی تگراس توصیه کند که قاضی را از سمت خود معلق کند، برای نقض قوانینی که توسط دیوان عالی کشور ابلاغ شده، عدم صلاحیت در انجام وظیفه، نقض عمومی کدهای رفتار قضایی و رفتاری ارادی و پایدار که کاملاً با عملکرد صحیح وظایف خود مغایر است یا آن را نقض می کند و باعث بی اعتباری قوه قضاییه و اجرای عدالت است (State Commission On Judicial Conduct Fiscal Year 2008 , Annual Report .)
www.scjc.state.tx.us.temp2089628033conten.pdf.p9 (2008).

توصیه تعلیق به دیوان عالی کشور^۳: کمیسیون ممکن است از دادگاه عالی تگراس درخواست کند که قاضی را تعلیق کند. زمینه های تعلیق عبارتند از:

1 . Amicuscuriae

2 .Suspension

3 . Recommendation of Suspension to the Supreme Court

نقض عمدی یا مداوم قوانینی که توسط دادگاه عالی تگزاس اعلام شده است، عدم توانایی در انجام وظایف دفتر، نقض عمدی قانون رفتار قضایی؛ یا رفتاری ارادی و مداوم که به وضوح با انجام صحیح وظایف وی مغایرت داشته یا موجب بی‌اعتباری عمومی قوه قضاییه یا اجرای عدالت می‌شود.

می‌توان گزینه تعلیق را با انفصال موقت شبیه هم دانست؛ ولی از لحاظ اجرا و طول دوره تعلیق کاملاً متفاوت می‌باشند؛ زیرا طول دوره تعلیق در آمریکا بسته به نظر قاضی می‌باشد با توجه به نوع سوءرفتار و شرایط. ولی تخلفات انتظامی قضات که باعث انفصال موقت قاضی می‌شود که موجب نقض حقوق مراجعه‌کنندگان می‌شوند و به همین جهت، مجازات‌های انتظامی سخت‌تری در پی دارند که شامل مجازات‌های درجه شش تا ده می‌شوند. تنزل دو پایه قضائی و درمورد قضات نظامی، تنزل دو درجه‌ی نظامی یا دو رتبه‌ی کارمندی، انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه، انفصال موقت از شش ماه تا یک سال، خاتمه‌ی خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه از جمله‌ی این مجازات‌ها هستند.

در ایالت تگزاس تعلیق به این صورت است که؛ اگر قاضی به جرم جنایی متهم شود یا به دلیل تخلف مربوط به موقعیت رسمی قاضی متهم شود، کمیسیون می‌تواند توصیه به تعلیق قاضی از سمت، با یا بدون پرداخت حقوق، تا زمان ابلاغ اتهام بدهد.

توصیه تعلیق به دیوان عالی کشور^۱: کمیسیون ممکن است از دادگاه عالی تگزاس درخواست کند که قاضی را تعلیق کند. زمینه‌های تعلیق عبارت‌اند از:

نقض عمدی یا مداوم قوانینی که توسط دادگاه عالی تگزاس اعلام شده است، عدم توانایی در انجام وظایف دفتر، نقض عمدی قانون رفتار قضایی؛ یا رفتاری ارادی و مداوم که به وضوح با انجام صحیح وظایف وی مغایرت داشته یا موجب بی‌اعتباری عمومی قوه قضاییه یا اجرای عدالت می‌شود.

توافق داوطلبانه برای استعفا^۲: یک قاضی می‌تواند به جای مجازات انتظامی تصمیم به استعفا بگیرد. با پذیرش توافق‌نامه، استعفا علنی خواهد بود. در سیاست کیفری ایران موافقت نامه داوطلبانه برای استعفاء در صورتی که قاضی مرتکب تخلفی شده باشد وجود ندارد

۳-۲-۶- انفصال

دسته بعدی تخلفات انتظامی قضات که باعث انفصال موقت قاضی می‌شود که موجب نقض حقوق مراجعه‌کنندگان می‌شوند و به همین جهت، مجازات‌های انتظامی سخت‌تری در پی دارند که شامل مجازات‌های درجه شش تا ده می‌شوند. تنزل دو پایه قضائی و درمورد قضات نظامی، تنزل دو درجه‌ی نظامی یا دو رتبه‌ی کارمندی، انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه، انفصال موقت از شش ماه تا یک سال، خاتمه‌ی خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه از جمله‌ی این مجازات‌ها هستند. آیا محرومیت از خدمت یا شغل به عنوان ضمانت اجرای اداری یا انضباطی؛ وارد قلمرو کیفری می‌شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ رعایت ماده ۶ کنوانسیون الزامی است. دیوان اروپایی حقوق بشر با اینکه اعتقاد بر انضباطی بودن این قبیل ضمانت اجراها دارد؛ اما بر این باور است که برای شخص مربوط آن‌چنان اهمیت دارند که حمایت قضایی شایسته را ایجاد می‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۴، ۳۵).

در کالیفرنیا، یک عمل و توصیه قاطع کمیسیون رفتار قضایی ظاهراً برای انفصال قاضی محکوم ضروری است، اما لازم است ابتدا یک قاضی تعلیق شود و سپس در صورت قطعی شدن حکم دادگاه، قاضی را برکنار کنند. به عنوان مثال، این قانون در کالیفرنیا بیان می‌دارد که؛ کمیسیون عملکرد قضایی باید قاضی را بدون حقوق و دستمزد به حالت تعلیق درآورد، هنگامی که در ایالات متحده قاضی خود را به گناهکاری بدون

^۱ . Recommendation of Suspension to the Supreme Court

^۲ . Voluntary Agreement to Resign.

هیچ مناقشه‌ای اعلام کرد، یا به‌عنوان جرم قابل مجازات به‌عنوان یک جنایت تحت قانون کالیفرنیا یا قانون فدرال یا هر جرم دیگری که شامل تقصیر و سرزنش اخلاقی باشد. طبق آن قانون. قاضی به حالت تعلیق درآید و محکومیت نهایی شود، دادگاه عالی باتوجه‌به توصیه و گزارش کمیسیون عملکرد قضایی قاضی را از سمت خود برکنار می‌کند. اگر وی محکوم نشود، تعلیق خاتمه می‌یابد و برای مدت تعلیق به قاضی دستمزد پرداخت می‌شود.^۱ در کالیفرنیا، علاوه بر این که صلاحیت حضور به‌عنوان قاضی دائم تمام‌وقت را ندارد، یک قاضی که از سمت خود منفصل می‌شود، از "دریافت تکلیف، قرار ملاقات یا ارجاع کار از هر دادگاه ایالتی کالیفرنیا" منع می‌شود.

استاندارد برکناری "انفصال از سمت واکنشی برای هر سوءرفتار قضایی نیست" دادگاه عالی بارها اعلام داشته است که برکناری از سمت به‌عنوان شدیدترین اقدام در موارد نقض شدید، آشکار و مکرر قانون استفاده خواهد شد؛ بنابراین منطقی و عادلانه نیست که قاضی از این موضوع نگران باشد. دادگاه‌ها به‌آسانی کسی را از سمت خود منفصل نمی‌کنند. یا قاضی را به دلیل "خطای صرف [در] فعالیت‌های قضایی یا فعالیت‌های حرفه‌ای" برکنار نمی‌کند.^۲ سوءرفتارهای که باعث انفصال از خدمت قضایی می‌گردد شامل؛ تخلفاتی که کاملاً یا اساساً مربوط به وظایف یا اختیارات قاضی است، و رفتارهای نادرست مربوط به وظایف قضایی و یا انجام رفتارهای خارج از دادگاه و هم چنین رفتارهای غیرقانونی.

در بحث ضمانت اجرای انفصال در سیاست کیفری آمریکا بایستی عنوان نمود که در ایالت کالیفرنیا و تگزاس انفصال در مورد همه قضات دادگاه‌های عالی و تالی قابل اجراست ولی در سطح فدرال، بحث انفصال را فقط در خصوص قضات دادگاه‌های منطقه‌ای داریم و در خصوص قضات ماده سوم فقط برکناری قضات از طریق استیضاح و توسط کنگره است، پس در مورد قضات ماده سوم فقط موارد استیضاح را بررسی می‌نماییم.

کلیه قضات فدرال که طبق اصل سوم قانون اساسی به مقام خود منصوب می‌شوند، به کار خود تا زمانی که "رفتار خوب" خود را ادامه دهند می‌مانند، به این معنا که در این منصب به طور دائم‌العمر مانده یا خود قصد کناره‌گیری می‌کنند. تنها راه برکنار ساختن آن‌ها از مسند قضاوت، استیضاح (از سوی مجلس نمایندگان) و محکومیت از سوی مجلس سنا است. در انطباق با ملزومات قانون اساسی (در خصوص قضات دیوان عالی) و استانداردهای قانون‌گذاری (در خصوص قضات دادگاه‌های استیناف و دادگاه‌های عادی)، استیضاح ممکن است به دلیل "خیانت، رشوه و سایر جرائم سنگین و خلاف‌ها" صورت بگیرد. محاکمه قضاتی که متهم می‌شوند در سنا برگزار می‌گردد که با رأی دو سوم از اعضای حاضر محکوم می‌شوند. قاضی ایروینگ آر. کافمن زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد از طریق پیشنهاد برای تسهیل برکناری قضایی قضات فدرال، از طریق تشکیل کمیته و کمیسیون‌های رسیدگی به رفتار و ناتوانی قضایی؛ اما بعضی ادعا کردند که این تهدیدی شوم برای استقلال قضایی است و به طرز عجیبی استیضاح توسط کنگره را ترجیح می‌دهند که اغلب توسط آن مخالفت می‌شود. (berger,1979,822)

۴- مراجع ناظر بر رسیدگی

پس از تشخیص اینکه قاضی مرتکب تخلف شده است، کمیسیون رفتار قضایی ایالتی و دیوان عالی کشور باید وظیفه دشوارتر تعیین مجازات مناسب را مرتفع سازند.^۳ تصمیمات مربوط به مجازات‌ها به‌عنوان فراخوان داوری نهادی و جمعی توصیف شده است که بر اساس ارزیابی حقایق فردی هر پرونده، مطابق با کد رفتار قضایی، سنجیده می‌شود کمیسیون‌های رسیدگی به حسن رفتار قضایی و دادگاه‌ها در تصمیم‌گیری در مورد مجازات انتظامی بیش‌تر یافته‌های خود را در پرونده در نظر می‌گیرند و با تجزیه و تحلیل موارد و گزارش عوامل مؤثر در این زمینه

^۱ .See also Montana Const., art. 5, § 24.

^۲ . (Special Court of Review Appointed by Texas Supreme Court ۱۹۹۸).

برخی حدس‌ها را حذف کنند. در بعضی موارد بین کمیسیون و دادگاه عالی یا بین اعضای دادگاه عالی درباره مجازات مناسب اختلاف نظر به وجود می‌آید که در نهایت تصمیم نهایی با دادگاه است و نه کمیسیون، دادگاه‌های عالی بارها اظهار داشته‌اند که هدف از مجازات انتظامی قضات متخلف حفظ صداقت قضایی است و اعتماد عمومی به سیستم و در صورت لزوم از منصب قضا محافظت گردد و اطمینان دادن به مردم در رسیدگی به تخلفات (gray.2007.15). دلایل خاص‌تر عبارت‌اند از: تأثیرگذاری بر قاضی از شدت و اهمیت سوءرفتار، بازدارندگی از رفتارهای مشابه توسط قاضی، اطمینان به مردم مبنی بر عدم تحمل سوءرفتار و در نهایت تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضایی.

مراجع انتظامی رسیدگی‌کننده به تخلفات قضات دادگستری در ایران، دادسرای انتظامی و دادگاه عالی انتظامی می‌باشند که وظیفه تحقیق و رسیدگی به شکایات علیه قضات متخلف را دارند؛ در قانون نظارت بر رفتار قضات، همه وظایف از قبیل نظارت، دریافت شکایت، تحقیق و رسیدگی بر عهده دادسرای انتظامی قضات نهاده شده که باعث کاهش سرعت رسیدگی و عدم چابکی فرایند نظارت خواهد شد و یکی از دلایل حجم بالای شکایات است.

اما در نظام کیفری آمریکا در سطح فدرال این وظیفه بر عهده شورای قضایی، کنفرانس قضایی می‌باشد که با انتصاب کمیته ویژه تحقیقات را در مورد قاضی متخلف انجام می‌دهند؛ اما این دو نهاد، وظیفه صدور حکم و مجازات علیه قاضی فدرال را ندارند و این در اختیار کنگره می‌باشد. طبق قانون اساسی قدرت استیضاح در مجلس نمایندگان و قدرت محاکمه استیضاح در سنا قرار داده است. برخی استدلال می‌کنند که ارائه سازوکار انضباطی برای قضات فدرال به هر روشی به‌غیر از استیضاح باعث استقلال قضایی می‌شود (Kaufman, 1979.687).

اما در سطح ایالتی کمیسیون‌های رسیدگی به رفتار قضایی وظیفه رسیدگی و تحقیق در قبال تخلفات قضات را دارند، پیش از سال ۱۹۶۰، قوانین کالیفرنیا برای مجازات و برکناری قضات متخلف از سمتشان سه راه داشتند: استیضاح، فراخوان، حل اختلاف هم‌زمان. استیضاح^۱ که این راهکارها هم وقت‌گیر و هم هزینه بر بودند؛ بنابراین کالیفرنیا برای حل این معضلات اولین ایالتی بود که یک آژانس دولتی ایجاد کرد (کمیسیون صلاحیت قضایی^۲) شکایات را علیه قضات دریافت و بررسی و تحقیقات را انجام دهد و اگر لازم باشد توصیه‌های انضباطی را ارائه می‌دهد و به دنبال آن دیگر ایالت‌ها از این رویه پیروی نموده و کمیسیون‌های رسیدگی به رفتار قضایی را ایجاد کردند در جهت تحقیق و اعمال واکنش‌های انضباطی علیه قضات متخلف.

نتیجه‌گیری

معایب داشتن یک قوه قضاییه بیش از حد مستقل سوءاستفاده از قدرت است. فساد ممکن است بر تصمیمات قضات بدون هیچ‌گونه نظارت و توازن اثر بگذارد. همچنین، یک قوه قضاییه بسیار مستقل خود را مستثنا از پاسخگویی قضایی می‌داند، وظیفه یک تصمیم‌گیرنده عمومی برای توضیح و توجیه یک تصمیم است. قضات مجبور نیستند تمام اظهارنظر و دلایل در پشت تصمیم‌گیری‌ها را بیابند و از نظارت عمومی حمایت کنند. باین‌حال پاسخ‌گویی قضایی می‌تواند استقلال قضایی را تقویت کند، زیرا می‌تواند نشان دهد که قضات برای رسیدن به یک تصمیم خاص دلایل مناسب دارند. اگر چه قضات مانند سایر اعضای جامعه هستند؛ ولی منصب آنان اقتضا می‌کند که اصول رفتار قضایی را رعایت و عزت قوه قضاییه را حفظ نمایند. آن‌ها باید انتظار داشته باشند که رفتار آن‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

قاضی نماینده چیزی فراتر از خودش است. یک قاضی به طور نمادین بیانگر عینیت لازم برای عملکرد صحیح سیستم دموکراتیک است. انتخاب شدن به منصب قضایی لزوماً مستلزم این است که قضات، مهارت لازم، تعقل، نجابت و توانایی حل قاطعانه مسائل اداری و حقوقی

¹ Impeachment

² Commission on judicial Qualifications

ارائه شده، مجهز باشند، اما تخلفات اخلاقی، رفتارهای نادرست قضایی، عدم انجام وظایف نظارتی حاکی از انحراف از هنجارها و استانداردهای قضایی است.

تأثیر منفی بر تصمیم‌گیری همکاران قضایی، دومین نگرانی است که توسط ارتکاب سوءرفتار قضایی ایجاد می‌شود. همکاران قاضی به طور قابل ملاحظه‌ای از رفتار غیرقانونی، شرمگین می‌شوند، با این سوال مواجه می‌شوند، که آیا اقدامات قاضی متخلف، آن‌ها را در معرض انتقاد عمومی قرار خواهد داد یا خیر؟

در جامعه‌ای که حداقل‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی در آن رعایت نمی‌شود، نمی‌توان انتظار معجزه داشت و اکثر متفکران زیربنای تحقق دموکراسی را در عمل، وجود مردمی می‌دانند که ارزش‌های انسانی را دریابند و خواهان دستیابی به آن‌ها باشند. مسلماً در چنین جامعه‌ای که اکثر مردم به ارزش‌ها پایبند هستند، راهکارهای ارائه شده در اندیشه‌های سیاسی و حقوقی می‌تواند برای جلوگیری از تجاوز و تعدی انسان‌های خطاکار مؤثر واقع شود اگر قضات، نقش و جایگاه مؤثر خود را در نظم اجتماعی و حفظ ارزش‌های اجتماعی درک کنند یقیناً تخلف نمی‌کنند و از خطوط اساسی منحرف نخواهند شد. تخلف انگاری در حوزه رفتاری قضات بر اساس یک‌سری مبانی و اصول استوار است و هر سیاست کیفری ملزم به رعایت این اصول می‌باشد. دلایل توجیهی تخلف انگاری در حوزه رفتاری قضات بر مبنای انگاره‌های ایدئولوژیک و انگاره‌های اجتماعی خلاصه می‌گردد. جنبه‌ای اخلاقی رفتار قضات به دلایل مختلف مورد بحث قرار گرفته است؛ زیرا قدرتی که به وی سپرده شده به شدت با ارزش‌های عدالت، حقیقت و آزادی ارتباط دارند. استانداردهای رفتاری که به قضات اعمال می‌شود، نتیجه این ارزش‌ها است. علی‌رغم اهمیت رفتار اخلاقی، راهنمایی‌های بسیار کمی در اکثر حوزه‌های قضایی خصوصاً در ایران وجود دارد؛ لذا ضروری است که قانون‌گذار با تدوین رهنمودهای اخلاقی و رفتاری، در جهت ارائه رهنمود به قضات اقدامات مثبتی را انجام دهد. تخلف انگاری به صورت مبهم و توسعه مصادیق در مواد قانون نظارت بر رفتار قضات نقض مهمی محسوب شده و شایسته قانون‌گذاری نمی‌باشد، مقنن باید به دنبال ایجاد مکانیزمی برای ایجاد و بیان سیاست‌گذاری در حوزه اخلاق و رفتار قضات باشد، تا قضات از قبل اصول و چارچوب رفتاری را بدانند، هرچند در قانون و شرح مواردی در خصوص آداب قضا ذکر شده است؛ اما کافی نمی‌باشد و باتوجه به جهانی‌شدن حقوق و تصویب اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی، ضروری است که همگام با قواعد و مقررات بین‌المللی حرکت کرد.

پیش‌بینی مجازات‌های انتظامی و تعیین دقیق مجازات انتظامی قابل‌اعمال بر اساس درجه‌بندی مجازات‌ها از خفیف تا شدید، در قبال هر تخلف، در قوانین ایران ویژگی منحصر به فرد است تعیین واکتش در سیاست کیفری ایران باتوجه به تناسب تخلف و مجازات‌های انتظامی، رعایت شأن قضات و رعایت قواعد مربوط به تکرار و تعدد صورت می‌پذیرد یکی از مهم‌ترین سازوکار انضباطی و آموزشی که در ایالت تگزاس اجرا می‌گردد، برنامه آمیکوس کوریا است که به قاضی کمک می‌کند تا به طور زیربنایی به تخلفات ناشی از اختلالات رسیدگی کند. به‌طور قطع در ایران قضاتی هستند که دچار این اختلالات هستند با اعتیاد دارند، بنابراین ارجاع قضات به این برنامه‌ها می‌تواند کمک شایانی را به قضات دارای اختلال نماید. زیرا این برنامه هم به صورت محرمانه است و هم مشکلات رفتاری را اساسی حل می‌نماید. حتی می‌توان از این سازوکار به همراه دیگر مجازات‌های انتظامی و حتی در دوره تعلیق استفاده نمود.

در چارچوب مدل کالیفرنیا، کمیسیون نظارت بر حسن رفتار قضایی به‌عنوان بازوی دیوان عالی ایالتی (در تگزاس، دادگاه تجدیدنظر) عمل خواهد نمود. اعضای این کمیسیون را قضات، وکلا و افراد غیرحرفه‌ای برجسته تشکیل خواهند داد. به ادعای سوءرفتار قضایی رسیدگی می‌نمایند. سیاست کیفری آمریکا در خصوص برخورد و رسیدگی به سوءرفتار قضات در سطح فدرال و ایالتی متفاوت عمل کرده است، رویکرد ایالت تگزاس در برخورد با سوءرفتار قضات سخت‌گیرانه و هم‌مبته بر اعمال مجازات‌های انتظامی سزاگرایانه و هم‌باسازگاران و ترمیمی بوده و همچنین مجازات‌های انتظامی متنوعی را در برخورد با قضات مختلف در نظر گرفته. ایالت کالیفرنیا بزرگ‌ترین سیستم قضایی

را در ایالات متحده دارا می‌باشد و به طور کامل توسط قضات حرفه‌ای آموزش دیده حقوقی کار می‌کند، این ایالت به نحوی، در رسیدگی به تخلفات قضات و ایجاد استانداردهای رفتاری و تدوین کد قضایی پیشرو می‌باشد و با ایده ایجاد کمیسیون‌های ناظر بر حسن رفتار قضایی، الگویی برای دیگر ایالت‌ها گردیده است و تا حد زیادی دیگر ایالت‌ها در زمینه رسیدگی به تخلفات قضات دنباله‌رو سیاست کیفری کالیفرنیا می‌باشد.

اما با مطالعه رویه قضایی و سیر تقنینی در نظام فدرال وضعیت تا حدودی فرق می‌کند، زیرا سنا در رسیدگی به اتهامات وارده علیه قضات دادگاه‌های ناحیه و قضات دادگاه استیناف ایالات متحده، به اندازه تخلفات قضات دیوان عالی فدرال ایالات متحده با مسامحه و چشم‌پوشی برخورد نکرده تأثیراتی است که تخلفات قضایی با اشکال مختلف بر مردم و جامعه قضایی می‌گذارد. تأثیر منفی بر اعتماد عمومی؛ ایجاد یک درک عمومی از ناتوانی قضات و دستگاه قضایی در اجرای عدالت و همچنین از بین بردن اعتماد به نفس کارمندان قضایی و دیگر قضات توجه بی مورد رسانه‌ها و اثرگذاری بر کار دیگر قضات، تأثیر منفی بر کارایی قضات.

بسیاری از مسائل مربوط به سوءرفتار و عدم توانایی شغلی در نزد قضات فدرال و ایالتی آمریکا به صورت غیررسمی و غیرعلنی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که تأثیر بسزایی در کنترل‌پذیری و نظارت‌پذیری بر رفتار قضات داشته است. شکایت‌های بسیاری در مورد قضات مطرح می‌گردد، و برخی از این شکایت‌ها از طریق غیررسمی و به صورت خصوصی در نزد دادگاه یا کمیسیون حل و فصل می‌شود. صدور نامه احتیاطی و ارجاع به برنامه‌های آموزشی یکی از مؤثرترین ابزارهای غیررسمی کمیسیون است. این رویه می‌تواند در رسیدگی به تخلفات قضات در ایران نیز کارآمد باشد. در پرونده‌هایی که رفتارهای نادرست قاضی به درجه‌ای نیست که زمان و هزینه یک‌روند قضایی را توجیه کند، می‌تواند از این سازوکار غیررسمی استفاده نموده. یا اینکه قاضی را به مشاور ارجاع داد. البته بایستی با در نظر گرفتن این برنامه‌ها، زمینه‌های اجرایی آن را فراهم نماید. مخصوصاً در مواردی که سوءرفتار در ارتباط با وظایف قضایی نبوده. بلکه در موضوع اداری داخلی رخ داده و این سوءرفتار بر حقوق خاص هیچ یک از دادخواهان یا اعضای عمومی تأثیری نداشته است. اما زمانی که رفتار قاضی، دلالت بر نگرانی‌های عمومی‌تر دارد این راه‌حل، گزینه مناسبی نیست، مجازات‌های انتظامی دیگر مناسب‌تر است.

پیشنهادها

۱- عدم توجه قانون‌گذار به برخی اصول مثل شفافیت قابل اغماض نمی‌باشد در موارد متعددی قانون‌گذار عمداً یا سهواً این اصل مهم را نادیده گرفته و سبب سردرگمی قضات گردیده پیشنهاد می‌گردد با اصلاح قانون این موارد رفع گردد و همچنین می‌توان خواستار شفافیت در مرحله رسیدگی به تخلفات قضایی و افشای آرا صادره یا ذکر مشخصات قضات متخلف شد. قضات نبایستی پشت اصل استقلال پنهان شوند. انتظار می‌رود که سیاست کیفری ایران، با تاسی از اسناد بین‌المللی و فراملی، اقدام به تدوین استانداردهای رفتار قضایی و ارائه آن به قضات نماید.

۲- برای اینکه به یک سیاست کیفری مطلوب برسیم در حوزه تخلفات قضات: اول بایستی یک نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای برای قضات مطرح شود. دوم در کنار آموزش‌های فنی اخلاق حرفه‌ای به قضات آموزش داده شود. سوم و در کنار این آموزش و بعد نظام‌نامه و تخلفات به منزله نقص مواد این نظام‌نامه طراحی شود/ در چارچوب نقص مواد آن نظام‌نامه طراحی شود. هم چنین تعیین اصول راهبردی استاندارد برای تعیین نوع واکنش

۳- اختیارات گسترده در مورد اعمال مجازات قضات متخلف هر فرصتی را برای برخورد مؤثر با قضات فراهم می‌کند، بدون آنکه لزوماً برکناری قضات لازم باشد. طیف گسترده‌ای از مجازات‌ها، داشتن یک استاندارد صریح رفتار حائز اهمیت است، قضاتی که قرار است با مجازات‌های مختلفی روبرو شوند، سزاوار این هستند که نوع رفتارهای را که ممکن است منجر به مجازات شود، بدانند. پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار ایران ضمانت اجراهای متنوع‌تری را در قبال تخلفات گسترده پیش‌بینی نموده و در برابر تخلفات نسبتاً جزئی که مجازات‌های

انتظامی خفیف‌تری قابل اعمال باشد مانند، ضمانت اجراهای، صدور نامه‌های احتیاطی، دریافت آموزش‌های خاص و تکمیلی، آمیکوس کوریا و بدون آنکه در سابقه متخلف درج گردد.

۴- ایجاد کمیسیون‌های رسیدگی‌کننده به تخلفات در ایران، راهکار بسیار مهمی در راستای کاهش حجم کاری دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد، نکته مهمی که وجود دارد ترکیب این کمیسیون‌ها می‌باشد؛ زیرا ترکیب کمیسیون‌های رسیدگی به سوءرفتار در کالیفرنیا و تگزاس به گونه‌ای است که از اعضای متفاوتی از جمله قضات، شهروندان و وکلا تشکیل شده است فرایند بررسی و تحقیق کمیسیون و فرایند انضباطی کمیسیون به گونه‌ای نیست که استقلال قضات را خدشه‌دار کند، زیرا اقدامات و تصمیمات کمیسیون در حد توصیه‌ای هستند و فقط حق صدور نامه احتیاطی هشدار و سانسور را دارد، و حتی در این موارد هم دادگاه عالی می‌تواند مخالفت خود را اعلام نماید و در نهایت مجازات انفصال، تعلیق، بازنشستگی فقط در حیطه اختیارات و وظایف دادگاه عالی کالیفرنیا و دادگاه تجدیدنظر و دادگاه ویژه بازنگری تگزاس است و حتی فراتر از این قضات می‌توانند حتی نسبت به تحقیقات یافته‌ها و اعمال ضمانت اجراهایی که از طریق کمیسیون صورت گرفته اعتراض نمایند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

احمدی‌فر، علی. (۱۳۹۹). سیاست جنایی ایران در رسیدگی به تخلفات و جرایم قضات (چاپ نخست). تهران: انتشارات مجد. اکبری رودپشتی، عظیم، و زمانی، قاسم. (۱۳۹۷). نزاکت قضایی: معیارهای تشخیص و مصادیق آن در نظام حقوقی ایران. مجله حقوق اسلامی، ۱۵(۵۹).

باری، مجتبی. (۱۳۸۳). حقوق جزای انتظامی (چاپ نخست). تهران: انتشارات میثاق عدالت.

بوستانی، مهرزاد. (۱۳۹۵). شرح و نقد قانون نظارت بر رفتار قضات. تهران: انتشارات جاودانه.

زینالی اقدم، امیرعلی. (۱۳۹۱). ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

سازمان شفافیت بین‌الملل. (۱۳۹۵). فساد در نظام‌های قضایی: گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ (ترجمه لیلی منفرد). تهران: قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

شاه حیدری پور، محمدعلی، و همتی، مجتبی. (۱۳۸۹). شرح اصول رفتار قضایی (اصول بنگلور) (چاپ نخست). تهران: انتشارات خرسندی. نیوبور، دیوید دلبیو. (۱۳۸۹). نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (ترجمه حمید قراگزلو). تهران: انتشارات مجد.

طهماسبی، جواد. (۱۳۹۰). فرایند نظارت انتظامی بر رفتار قضات. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۶).

یوسفی، محمدرضا، و مهدوی ثابت، محمدعلی. (۱۳۹۴). بررسی قلمرو کیفری در "ضمانت اجرای انفصال از خدمت" در نظام حقوقی ایران. دانشنامه حقوق و سیاست، ۱۱(۳۵).

References

- Annual Report, State Commission on Judicial Conduct Fiscal Year 2008.
- Bell, E. T. (2009). Judicial misconduct. *Commonwealth Law Bulletin*, 35(34).
- Berger, R. (1979). Chilling judicial independence: A scarecrow. *Cornell Law Review*, 64(5).
- California Code of Judicial Ethics. (2002). Issued by the Supreme Court, Committee on Judicial Ethics Opinions, CJEO. Amended 1999-2020. Retrieved from <http://www.courts.ca.gov>
- Code of Conduct for United States Judges. (2019, March 12).
- Goldschmidt, J., et al. (2009). The relationship between method of judicial selection and judicial misconduct. *Widener Law Journal*, 18(2).
- Gray, C. (2003). A study of state judicial discipline sanctions. American Judicature Society.
- Gray, C. (2007). Judicial conduct commissions: How judicial conduct commissions work. *The Justice System Journal*, 28(3).
- Kahan, D. M. (1996). What do alternative sanctions mean? *University of Chicago Law Review*, 63.
- Koelling, P. M. (2016). Responding to judicial and lawyer misconduct: Analyzing a survey of state trial court judges, findings from a population-based study. *St. Mary's Journal of Legal Malpractice & Ethics*, 7(1). Available at: <https://commons.stmarytx.edu/lmej/vol7/iss1/3>
- Sharman, J. M. (1996). Judicial ethics: Indolence, impartiality, and integrity. National Center for State Courts (NCSC).
- Texas Code of Judicial Conduct. (Amended by the Supreme Court of Texas). Retrieved from <http://www.txcourts.gov>
- The Bangalore Principles of Judicial Conduct. (2002). UNODC.